

کنترل جمعیت از منظر فقه امامیه؛ تحلیل فقهی-قرآنی

^۱ خدیجه کبری،^۲ زهرا قبله

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی و تحلیل فقهی موضوع کنترل جمعیت و کاهش نرخ تولد در جوامع اسلامی بهویژه ازمنظر فقه امامیه نوشته شده است. مسئله کنترل جمعیت که بالاستناد به الزامات اقتصادی و اجتماعی در سطح جهانی مطرح می‌شود در مقاله حاضر باتکیه بر آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام بررسی فقهی شده است. با تحلیل دیدگاه‌های موافقان و مخالفان این سیاست، دلایل هردو گروه تحلیل و تعارضات ظاهری میان ادلہ نقلی رفع شده است. مقاله حاضر نشان می‌دهد که در نگاه اولیه فقه امامیه، افزایش نسل، امری مطلوب و مؤکد روایی است، اما باتوجه به اصل ولایت فقیه و قاعده مصلحت، امکان صدور حکم ثانوی ازسوی حاکم اسلامی در شرایط خاص وجود دارد. درنهایت، باتوجه به نبود حکم ثانوی الزام آور در شرایط فعلی، حکم اولیه یعنی، استحباب کثرت نسل، همچنان معتبر و مورد تأیید شرع شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: کنترل جمعیت، فقه امامیه، حکم اولیه، حکم ثانوی، تعارض ادلہ، روایات اهل بیت علیهم السلام، سیاست جمعیتی.

۱. دانش پژوه کارشناسی فقه و اصول، از کشور بنگلادش، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دکتری فقه مقامن، مری و مدیر گروه علمی تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

مسئله کنترل جمیعت و کاهش نرخ فرزندآوری یکی از مهمترین مباحث جمیعتی، اجتماعی و اقتصادی جهان معاصر است که در دهه‌های اخیر در سطح جهانی و بهویژه در کشورهای در حال توسعه به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است. این سیاست که بیشتر ازسوی مراکز برنامه‌ریزی بین‌المللی و با تأثیر ملاحظات اقتصادی، منابع زیست‌محیطی و موازنۀ‌های سیاسی توصیه می‌شود به شکل‌های گوناگون در جوامع مختلف پیاده‌سازی شده و نتایج متفاوتی نیز به همراه داشته است. جهان اسلام و بهویژه جمهوری اسلامی ایران نیز از این سیاست‌ها بی‌تأثیر نمانده و در برهه‌هایی از تاریخ معاصر برنامه‌های گسترده‌ای برای کاهش جمیعت اجرا کرده‌اند. سیاست‌های کنترل جمیعت همواره مورد چالش جدی ازسوی اندیشمندان اسلامی قرار داشته است؛ زیرا این برنامه‌ها نه تنها تبعات فرهنگی و اجتماعی قابل تأمل دارند، بلکه از منظر آموزه‌های دینی نیز با پرسش‌های بنیادین مواجه هستند.

از منظر فقه امامیه که مبتنی بر قرآن، سنت، عقل و اجماع است مسئله تولید نسل و تکثیر اولاد از ارزش‌های مورد توصیه شمرده می‌شود. با توجه به اقتضائات زمانی و مصالح اجتماعی، امکان طرح و اعمال حکم ثانوی در شرایط خاص ازسوی حاکم اسلامی نیز وجود دارد. هدف پژوهش حاضر، ارائه تصویری روشن از جایگاه این مسئله در فقه امامیه با بررسی دیدگاه‌های فقهی پیرامون کنترل جمیعت و تحلیل آیات و روایات مرتبط است و با رفع تعارضات ظاهری میان متون دینی به تبیین حکم اولیه و جایگاه حکم ثانوی در این موضوع می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعه موضوع کنترل جمیعت در بستر مطالعات دینی و فقهی در دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران متعددی قرار گرفته است. برخی از آثار موجود با تأکید بر ضرورت کنترل جمیعت آن را راهکاری عقلانی و الزامی برای مقابله با چالش‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی دانسته‌اند. گروه دیگری از اندیشمندان، این سیاست‌ها را برخاسته از اهداف سیاسی و ایدئولوژیک

دانسته‌اند که با آموزه‌های اسلامی در تعارض است. از جمله آثار مهم در مخالفت با کنترل جمعیت می‌توان به کتاب کاهش جمعیت، کنترل سهمگین بر پیکر اسلام اثر علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی اشاره کرد که با رویکردی انتقادی نسبت به سیاست‌های جمعیتی جهان معاصر این برنامه‌ها را مغایر با مبانی اسلامی می‌داند. مقاله تأثیر آموزه‌ها و فتوای شیعه در رشد و کنترل جمعیت نوشته دکتر محمدعلی علیبی به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی در مورد سیاست‌های جمعیتی پرداخته است.

برخی مقالات و گزارش‌ها مانند پژوهش علی‌رضا خانی در مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی (۱۳۷۷) بانام نگاهی به عوامل جامعه‌شناسی رشد جمعیت در ایران یا گزارش بی‌نا (۱۳۷۸) از کنترل رشد بی‌رویه جمعیت چه خبر؟ با تمرکز بر تحلیل‌های جمعیت‌شناسی بر ضرورت اجرای سیاست‌های کنترلی تأکید دارند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع پیشین تلاش دارد با رویکردی تحلیلی و اجتهادی، مسئله کنترل جمعیت را از منظر فقه امامیه واکاوی کرده و با بررسی مستندات قرآنی و روایی، جایگاه حکم اولیه و حکم ثانوی را در این باره تبیین کند.

۳. دیدگاه موافقان کنترل جمعیت

گروهی از اندیشمندان و صاحب‌نظران با توجه به مقتضیات اجتماعی و شرایط اقتصادی، کنترل جمعیت را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. این دسته با اتکا به مبانی عقلی، تجربیات جهانی و حتی مستنداتی از آیات و روایات سعی در مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های کاهش موالید دارند.

۳-۱. ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی کنترل جمعیت

۳-۱-۱. محدودیت منابع اقتصادی و ناتوانی دولت در تأمین نیازهای اساسی با افزایش بی‌رویه جمعیت، دولتها از تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، مسکن، بهداشت و آموزش بازمی‌مانند. براساس اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به تأمین رفاه عمومی و برطرف کردن فقر و تبعیض است. در شرایط جمعیت زیاد، این هدف قابل تحقق نخواهد بود. (بی‌نا، ۱۳۷۸)

۳-۱-۲. تحریم‌های اقتصادی و فشار مضاعف بر تأمین معاش

تحریم‌های خارجی، شرایط اقتصادی را برای مردم دشوار کرده است. در چنین وضعیتی، رشد جمعیت بدون تمهیدات زیرساختی، فشار مضاعفی بر اقشار ضعیف وارد می‌کند.

۳-۱-۳. کاهش کیفیت تربیت فرزندان

با توجه به مشکلات اقتصادی، والدین برای تأمین هزینه‌ها ناگزیر از اشتغال مضاعف هستند و زمان کافی برای تربیت صحیح فرزندان ندارند.

۳-۱-۴. چالش‌های نظام آموزشی

با افزایش جمعیت، نظام آموزش و پرورش با بحران تأمین نیروی انسانی، زیرساخت و کیفیت مواجه می‌شود. براساس اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش رایگان حق همگان است که در صورت افزایش جمعیت، کیفیت آن دچار آسیب می‌شود.

۳-۱-۵. کاهش مشارکت اجتماعی زنان

دوران بارداری و شیردهی موجب کاهش فعالیت اجتماعی زنان شده و از بهره‌وری نیروی کار کم می‌شود، به‌ویژه در جامعه‌ای که هنوز امکانات کافی برای حمایت از مادران فراهم نشده است.

۳-۱-۶. محرومیت زنان از تحصیل و رشد فردی

با فرزندآوری‌های پی‌درپی، فرصت رشد علمی، حرفه‌ای و استقلال زنان محدود می‌شود.

۳-۱-۷. جواز شرعی عزل

موافقان به استناد برخی روایات که عزل را جایز می‌دانند، معتقدند که اسلام نیز کنترل موالید را پذیرفته است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۱/۲۰)

۳-۲. استناد به آیات قرآن

برخی آیات قرآن در نگاه اولیه بر ترجیح نداشتن فرزند زیاد و دوری از تکاثر دلالت دارند: «إنما أموالكم وأولادكم فتنة» (تغابن: ۱۵)؛ این آیه فرزندان و اموال را عامل فتنه و آزمایش می‌داند؛ یعنی،

ممکن است انسان را از یاد خدا غافل کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸/۳۰۸-۳۰۹). «وتفاخر بینکم وتكاثر فى الأموال والأولاد» (حدید: ۲۰)؛ این آیه افزون طلبی در اموال و اولاد را از نشانه‌های فریب دنیا و غفلت از آخرت دانسته و پیامد آن را عذاب معرفی می‌کند. «لاتلهكم أموالكم ولا أولادكم عن ذكر الله» (منافقون: ۹)؛ این آیه هشدار می‌دهد که اموال و فرزندان نباید انسان را از یاد خدا بازدارند و گرنه زیان کار خواهد بود.

۳-۳. استناد به روایات

- امام علی علیه السلام: «قلة العيال أحد اليسرين؛ كم فرزندی يکی از دو عامل آسایش دانسته شده است». (سید رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۱۳۵)

- امام علی علیه السلام: «كثرة العيال من أعظم البلاء؛ زياد بودن عيال از بزرگ‌ترین بلایا معرفی شده است». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۸/۱۳)

- پیامبر اکرم علیه السلام در دعایی برای دشمنانش درخواست زیادی مال و فرزند می‌کند که برخی آن را کنایه از عذاب و گرفتاری دانسته‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۸۳/۵)

۴. دیدگاه مخالفان کنترل جمعیت

برخی از اندیشمندان اسلامی و فقهای امامیه با سیاست‌های کنترل جمعیت مخالف هستند. این دسته باتکیه بر متون دینی، روایات اهل بیت علیهم السلام و دلایل عقلی و اجتماعی نه تنها کنترل جمعیت را مخالف با روح شریعت می‌دانند، بلکه بر لزوم افزایش نسل مسلمانان تأکید دارند.

۱-۱. ضرورت‌های افزایش جمعیت

۱-۱-۱. افزایش قدرت و بازدارندگی امت اسلامی

رشد جمعیت مسلمانان، ابزاری برای ایجاد ترس در دل دشمنان اسلام معرفی می‌شود. برای نمونه، برخی معتقدند که افزایش جمعیت فلسطینیان در غزه با وجود مشکلات اقتصادی، زمینه‌ساز مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی شده است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۵، ص ۱۱۴)

۴-۱-۲. تضمین رزق توسط خداوند متعال

مخالفان براساس آیات متعدد قرآن معتقدند که تأمین روزی بندگان بر عهده خداوند است نه والدین. بنابراین، استناد به مشکلات اقتصادی برای محدود کردن فرزندآوری مردود است.

۴-۱-۳. سلامت جسم و روان زنان در فرزندآوری

در برخی منابع فقهی و پزشکی، زایمان، فرآیندی طبیعی و مفید برای توازن جسمی و روحی زنان معرفی شده است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۵، ص ۱۱۴)

۴-۱-۴. نقش تربیتی و تمدن‌ساز مادران

افزایش جمعیت، فرصت رشد اجتماعی، تربیت اخلاقی و فرهنگی فرزندان را برای جامعه فراهم می‌کند و از زن موجودی اثربار و مولد می‌سازد.

۴-۱-۵. منع از عزل در روایات معتبر

برخی روایات به طور صریح، عزل (پرهیز از فرزندآوری) را ناپسند و حتی مکروه شمرده‌اند، مگر در موارد خاص.

۴-۲. استناد به آیات قرآن کریم

مخالفان کنترل جمعیت بالاستناد به آیاتی از قرآن استدلال می‌کنند که محدودسازی موالید برخلاف سنت الهی در رزق‌رسانی و توکل است: «وَكَأْيُنْ مِنْ دَابَةٍ لَا تَحْمُلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ؛ خَدَاوَنْدُ، خُودُ رَا مَتَكْفُلُ رِزْقَ هُمَّهُ مَخْلُوقَاتُ، أَعْمَ اِنْسَانُ وَحَيْوَانُ مِيْ دَانَدُ» (عنکبوت: ۶۰)؛ آیه «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مِنْ يَشَاءُ» (شوری: ۱۹) اشاره به مهر و لطف خدا نسبت به بندگان و گشایش رزق برای هر کس که بخواهد، دارد؛ آیه «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْلُفُهُ؛ هَرَانْجَهُ اِنْسَانُ دَرَ رَاهُ خَدَا اِنْفَاقَ كَنْدُ جَايِگَزِينِي نِيكَوتُرُ اِزْجَانِبُ خَدَا خَواهَدَ دَاشَتُ» و «إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءٍ يَغْنِهُمُ اللَّهُ؛ فَقَرَ نَبَایدُ مَانَعُ اِزْدَوَاجُ شَوَدُ؛ زِيرَا غَنا اِزْجَانِبُ خَدَاستُ» اشاره به ازدواج مقدمه فرزندآوری است. در آیه «وَلَا يَقْتَلُنَ أَوْلَادَهُنَ...» خداوند از پیامبر می‌خواهد از زنان مؤمن بیعت بگیرد که فرزندان خود را

نکشند» (ممتحنه: ۱۲). تفسیر برخی مفسران آن را شامل سقط جنین نیز می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷/۲۴۲).

۴-۳. استناد به روایات اهل بیت علیهم السلام

۴-۳-۱. سفارش به ازدواج با زنان ولود (فرزندها)

-پیامبر اکرم علیه السلام: «تزوجوا الولد الودود؛ با زنان بچه‌زا ازدواج کنید؛ زیرا من در قیامت به فزونی شما مباحثات می‌کنم». (نوری، ۱۴۰۹، ۱۷۹)

-امام باقر علیه السلام: «لاتتزوجوا عقیما؛ حتی زیبایی زن نازا نیز نمی‌تواند مانع این نهی باشد».

(حرعاملی، ۱۴۰۹، ۵۴/۲۰)

۴-۳-۲. نکوهش نازایی در کلام امام صادق علیه السلام

نازایی، یکی از عوامل شومی زن معرفی شده است که نشانگر ارزش بالای فرزندآوری است. (کلینی، ۱۴۰۷/۵۶۸)

۴-۳-۳. ارزش تربیتی و معنوی فرزندان

در روایتی، حضرت یوسف علیه السلام به ازدواج تشویق شد تا با فرزندان خود ذکر الهی را در زمین گستردۀ تر کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۲۹/۵)

۴-۳-۴. پاسخ امام رضا علیه السلام به کسی که به دلیل فقر فرزند نمی‌خواست

امام رضا علیه السلام به کسی که به دلیل فقر فرزند نمی‌خواست، نوشت: «از خدا طلب فرزند کن که خداوند روزی آنان را عطا خواهد کرد». (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۶)

۴-۳-۵. نهی از عزل در مورد زنان آزاد

امام صادق علیه السلام: «فإنى أكره ذلك؛ عزل با زن آزاد بدون رضایت او ناپسند است». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵۱/۲۰)

۴-۴. بررسی حکم اولیه و رفع تعارض ظاهري میان آيات و روایات

۴-۴-۱. حکم اولیه در فقه امامیه نسبت به مسئله کترل جمعیت

از بررسی مجموعه آيات و روایات بهوضوح برمی آید که در نگاه اولیه، کثرت نسل و افزایش فرزند امری مطلوب و مورد تأکید شارع مقدس است. پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام همواره بر فرزندآوری، تربیت نسل مؤمن و گسترش جمعیت مسلمانان تأکید کرده‌اند. واژه‌هایی مانند مباها، افتخار، ولود و برکت، همگی در روایات با فرزندآوری همراه هستند. امر به فرزندآوری در این روایات به‌طور مطلق واجب شمرده نشده است، بلکه از آن بانام استحباب مؤکد یاد می‌شود؛ یعنی مستحب شرعی که با تأکید و تشویق همراه است، اما ترک آن موجب عقاب نیست. این برداشت، مبنی بر اصول فقه امامیه مبنی بر مفاهیمی مانند اول ارشادی، مراتب استحباب و نبود قرینه بر وجود است.

۴-۴-۲. رفع تعارض ظاهري میان آيات و روایات

ممکن است به ظاهر میان برخی آيات و روایات، نوعی تعارض دیده شود، به‌ویژه آیاتی که فرزندان را فتنه یا سبب غفلت معرفی می‌کنند، اما با تحلیل محتوایی و تفسیر صحیح می‌توان گفت که این آیات ناظر به جنبه آزمایشی فرزند و مال هستند نه نکوهش ذات فرزندآوری. برای نمونه، تعبیر «إنما أموالكم وأولادكم فتنة» (تغابن: ۱۵) به معنای آزمایش و مسئولیت است نه مذمت، یعنی این نعمات می‌توانند انسان را از خدا غافل کنند اگر تربیت دینی و اخلاقی نسبت به آنها صورت نگیرد. فرزندآوری به‌خودی خود امری مثبت است. در روایت پیامبر ﷺ که برای دشمنان، زیادی مال و فرزند را درخواست می‌کند هدف از آن نوعی عذاب دنیوی باگرفتار شدن به مشغولیات مادی است نه اینکه کثرت فرزند امری منفی باشد، بلکه در سیاق دعای پیامبر ﷺ داشتن فرزند بدون هدایت و ایمان موجب گرفتاری است.

۴-۴-۳. پاسخ به اشکالات رایج در تعارض روایات

-اشکال اول: امر به فرزندآوری مربوط به زمان پیامبر ﷺ بوده است. برخی ممکن است بگویند توصیه‌های پیامبر ﷺ به فرزندآوری در بافت زمانی خاصی صورت گرفته است که مسلمانان در اقلیت بودند. این توجیه قابل قبول نیست؛ زیرا اول، پیامبر ﷺ توصیه به فرزندآوری را بدون هیچ

قید زمانی و مکانی بیان کرده است؛ دوم، در شرایط کنونی نیز مسلمانان در مقایسه با جمعیت جهانی در اقلیت قرار دارند؛ سوم، مفاهیمی مانند مباهات در قیامت و افتخار بر امم دیگر، جنبه فرازمانی دارند.

-اشکال دوم: مقصود پیامبر ﷺ تنها فرزندان صالح بوده است. در برخی روایات آمده است که فرزندان صالح کسانی هستند که با ذکر «لا اله الا الله» زمین را سنگین می‌کنند، پس ممکن است گفته شود که داشتن فرزند در صورتی مطلوب است که تضمینی برای صلاح او باشد. (شیخ صدوق،

(۳۸۲/۳، ۱۴۱۳)

-پاسخ: اگرچه صلاح فرزند اهمیت دارد، اما تربیت دینی وظیفه والدین است نه نتیجه حتمی. شارع مقدس بر امکان تربیت نسل مؤمن تأکید کرده نه شرط حصول آن. همچنین کمکاری نهادهای تربیتی دلیل بر محدودسازی موالید نیست.

-اشکال سوم: نهی از کشتن فرزندان شامل جلوگیری از بارداری نمی‌شود. برخی می‌گویند آیات نهی از قتل اولاد، ناظر به کشتن نوزاد یا سقط جنین هستند نه جلوگیری از بارداری.

-پاسخ: اول، در منابع روایی، عزل که شکلی از پیشگیری است با تعبیر «وَأَدْ خَفِيٌّ؛ زَنْدَهُ بِهِ گُورِ كَرْدَنْ پَنْهَان» توصیف شده است (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۵۰۴/۱۲)؛ دوم، روح حاکم بر متون دینی، تشویق به آوردن فرزند و نکوهش بی‌نسی است، حتی اگر در قالب پیشگیری از اصل انعقاد نطفه باشد.

-اشکال چهارم: در برخی روایات، کم‌فرزندی ستوده شده است مانند سخن امام علی علیه السلام که فرمود: «قلة العيال أحد اليسرين». (سید رضی، ۱۴۱۴)

-پاسخ: این‌گونه روایات ناظر به شرایط خاصی مانند فقر شدید، ناتوانی از تأمین نیاز فرزندان یا ابتلائات شدید است. از نظر اصولی نمی‌توان این موارد را بر قاعده عمومی رجحان فرزندآوری مقدم داشت، بلکه این احادیث در مقام بیان تسهیل در شرایط اضطرار هستند.

۵. حکم ثانوی و نقش حاکم اسلامی در سیاست‌های جمعیتی

۵-۱. حکم ثانوی در فقه امامیه

احکام شرعی در فقه امامیه به دو دسته حکم اولیه و حکم ثانوی تقسیم می‌شوند. احکام اولیه، همان احکام دائمی و اصلی شرع هستند که بدون درنظر گرفتن شرایط خاص صادر می‌شوند مانند حرمت زنا یا وجوب نماز. حکم ثانوی در پاسخ به شرایط اضطراری، مصالح عمومی یا مفاسد احتمالی توسط حاکم شرع و در چارچوب اختیارات ولی فقیه صادر می‌شود. در موضوع کنترل جمعیت نیز هرچند حکم اولیه بر استحباب فرزندآوری دلالت دارد، اما در شرایط خاص مانند بحران‌های اقتصادی، کمبود منابع، تهدیدات زیست‌محیطی یا اختلال در نظام اجتماعی، امکان صدور حکم ثانوی مبنی بر ضرورت یا ترجیح کنترل جمعیت وجود دارد.

۵-۲. مشروعيت صدور حکم ثانوی از سوی ولی فقیه

ولی فقیه که رهبر جامعه اسلامی است بنابر اصل ولایت امر، موظف به حفظ مصالح عمومی، پیشگیری از مفاسد و ایجاد نظم و عدالت در جامعه است. بنابر نظریه ولایت فقیه و مبانی فقه سیاسی امامیه در مواردی که مصلحت جامعه اقتضا کند، ولی فقیه می‌تواند دست به صدور احکام حکومتی بزند اگر به طور موقت با ظاهر حکم اولیه تفاوت داشته باشد. بنابر دیدگاه امام خمینی رهنما و بسیاری از فقهاء معاصر، احکام حکومتی به دلیل حفظ کیان امت اسلامی، مقدم بر احکام فردی و اولیه هستند و وجوب اطاعت از آنها نیز مورد اتفاق علماست. (عمید زنجانی و

موسى زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹)

۵-۳. معیار تشخیص ضرورت کنترل جمعیت

نکته مهم در صدور حکم ثانوی، تشخیص ضرورت از سوی حاکم اسلامی است. اگر ولی فقیه با استفاده از نظرات کارشناسی به این نتیجه برسد که افزایش بی‌رویه جمعیت سبب تهدید سلامت جامعه، نابسامانی اقتصادی یا اختلال در نظام اجتماعی می‌شود، می‌تواند به طور موقت و مشروط، سیاست‌های کنترل جمعیت را تجویز یا حتی الزام آور کند. براساس قاعده فقهی «الضرورات تبیح

المحظورات» و اصل «قاعده مصلحت» چنین اقداماتی نه تنها جایز، بلکه در مواردی لازم شمرده می‌شود.

۴- آیا اکتون حکم ثانوی فعالی برای کنترل جمعیت صادر شده است

بررسی اسناد رسمی، فرمایشات رهبری و سیاست‌های ابلاغی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که در شرایط فعلی نه تنها حکم ثانوی الزام‌آوری برای کنترل جمعیت وجود ندارد، بلکه تأکید بر لزوم افزایش جمعیت و هشدار درباره پیری جمعیت ازسوی ولی‌فقیه با رهاب تکرار شده است. مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) بر ضرورت افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی تأکید کرده و هشدار داد که ادامه روند فعلی باعث بحران جمعیتی در آینده می‌شود. در چنین شرایطی نه تنها توجیهی برای سیاست‌های محدودکننده وجود ندارد، بلکه استمرار یا تبلیغ برای کاهش جمعیت برخلاف سیاست کلان نظام اسلامی ارزیابی می‌شود.

۵- نتیجه در نسبت حکم اولیه و ثانوی

با درنظر گرفتن جمیع جوانب فقهی، شرعی و حاکمیتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکم اولیه یعنی، کثرت نسل، مستحب مؤکد و محبوب شرع است مستند به آیات، روایات و سیره پیامبر اکرم ﷺ. حکم ثانوی: در صورت ضرورت، ولی‌فقیه می‌تواند به صورت موقت و مشروط دستور به کنترل جمعیت دهد. وضع فعلی: با توجه به نبود حکم ثانوی الزام‌آور و تأکید حاکم اسلامی بر افزایش جمعیت، حکم اولیه همچنان جاری و معتبر است.

۶- نتیجه‌گیری

مسئله کنترل جمعیت یکی از مباحث حساس و چندلایه در تقاطع میان فقه، اخلاق، سیاست و اقتصاد است که در سال‌های اخیر به ویژه در جوامع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش کرد با رویکردی تحلیلی و مستند به منابع دینی، دیدگاه فقه امامیه را درباره این موضوع بررسی کند. در بررسی مبانی فقهی روشن شد که در حکم اولیه شرعی، افزایش جمعیت و تکثیر نسل امری مطلوب، مستحب مؤکد و محبوب شارع مقدس است. دلایل این امر شامل آیات

متعددی است که به قدرت خدا در رزق دهی اشاره دارند و روایات معتبری که فرزندآوری را منشاء افتخار پیامبر ﷺ، عامل ثبات امت اسلامی، و از مصاديق برکت در زندگی معرفی می‌کنند. دلایل طرفداران کنترل جمعیت مبتنی بر ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی است اگرچه این دلایل در شرایط خاص قابل تأمل است، از نظر فقهی تنها در قالب حکم ثانوی و با تشخیص ولی‌فقیه مشروعيت می‌یابند و گرنه نمی‌توان به صرف شرایط دشوار، حکم اولیه شرع را کنار گذاشت. آیات و روایاتی که ظاهرشان دلالت بر نکوهش فرزند دارند در حقیقت ناظر به آثار سوء غفلت از وظایف تربیتی والدین هستند نه اینکه ذات فرزند یا کثرت نسل نکوهش شده باشد.

چنین متونی در تفسیر صحیح و باتوجه به سیاق کلی، قابل جمع با روایات مثبت‌اندیش نسبت به فرزندآوری هستند. در فقه امامیه، حاکم اسلامی در شرایط اضطراری و با لحاظ مصالح عمومی، مجاز به صدور حکم ثانوی درباره کنترل جمعیت است، اما باتوجه به وضعیت فعلی جهان اسلام، هشدار نهادهای دینی نسبت به پیری جمعیت و تأکیدات ولی‌فقیه بر افزایش فرزندآوری روشن است که هیچ حکم ثانوی فعالی برای محدودیت جمعیت ازوی حاکم اسلامی صادر نشده است. بنابراین، از نظر فقه امامیه در شرایط فعلی، حکم اولیه همچنان معتبر است و باید در سیاست‌گذاری‌ها و تبلیغات اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. هرگونه تلاش برای تضعیف گرایش به فرزندآوری نه تنها مبنای فقهی ندارد، بلکه ممکن است با خط مشی دینی و ملی جمهوری اسلامی ایران نیز در تضاد باشد.

فهرست منابع

- * نهج البلاغه (۱۴۱۴). گردآورنده: شریف رضی. مترجم: فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی. قم: مؤسسه نهج‌البلاغه.
- * الصحیفه السجадیه (۱۴۱۸). مترجم: غرویان، محسن. قم: دفتر نشر الہادی.
- ۱. بی‌نا (۱۳۷۸). از کنترل رشد بی‌رویه جمعیت چه خبر. نشریه گزارش، (۹۹۰)، ۳۷-۳۸.
- ۲. حرعامی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۳. حسینی تهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۵). رساله نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه‌ای سنگین بر پیکر مسلمین).
- مشهد: علامه طباطبائی.

۴. خانی، علی‌رضا (۱۳۷۷). نگاهی به عوامل جامعه‌شناختی رشد جمیعت در ایران. نشریه اقتصاد (اطلاعات سیاسی اقتصادی)، - (۱۲۹ و ۱۳۰)، ۱۹۰-۱۹۷.
۵. خرازی، سید محسن (۱۳۷۹). کتrol جمعیت و عقیم‌سازی. نشریه فقه اهل‌بیت، - (۲۲)، ۳۱-۵۸.
۶. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳). معجم رجال الحديث و طبقات الرواہ. لبنان: منشورات مدینه العلم.
۷. صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لا يحضره الفقيه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. طباطبایی، سید محمدحسن (۱۴۱۷). المیران فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی، و موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۸). بایسته‌های فقه سیاسی. تهران: انتشارات مجد.
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات و تغییرات و تتمیم مصوب ۱۳۹۰ (۱۳۶۸). تدوین جهانگیر منصور. تهران: نشر دوران.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۱۲. محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. محمد بن محمد اشعث (بی‌تا). الجعفریات. تهران: مکتبه نینوی.
۱۴. محمدرضا، حکیمه (۱۳۳۶). الحیاہ. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳). المقنیه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۱۶. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.